

## اعتصابات خطراتی کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها

وحشت حکومت و سیاست اخراج کارگران اعتصابی

اعلامیه حزب حکمتیست

شکست بزرگ رژیم، پیشروی مهم مردم

**آبان ادامه دارد!**

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در مورد:

شکست مضحکه انتخابات رژیم در کردستان

"ملزومات برقراری دموکراسی در ایران"

دمکراسی: تعابیر و واقعیات

صفحه ۵

منصور حکمت

کنفرانس خارج کشور حزب حکمتیست با موفقیت برگزار شد

معنای واقعی شکست مضحکه انتصابات

صفحه ۸

جاوید حکیمی

علیه خط اعتصاب شکنی بنام کارگر نفت

صفحه ۹

سیاوش دانشور

سقوط

جمهوری اسلامی

وریا روشنفکر

اعلامیه شورای همکاری

با همه نیرو از اعتصابات

سراسری کارگران نفت

حمایت کنیم

اعلامیه شورای همکاری

نه شجاعانه و بزرگ

اکثریت مردم ایران به

کلیت رژیم اسلامی

۶۰۱  
مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

۴ تیر ۱۴۰۰ - ۲۵ ژوئن ۲۰۲۱

**قدرت اعتصاب**

جلسه فوق العاده سه قوه

اعتصابات خطراتی و یک هفته ای کارگران پیمانکاری و پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی ها، که از سه شنبه اول تیرماه اوج گرفت و در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه بیش از ده مرکز بزرگ کارگری بصورت زنجیره ای به اعتصاب پیوستند، قرار است به اعتصاب سراسری کارگران رسمی نفت و گاز در نهم تیرماه ملحق شود. وحشت حکومت اسلامی از یک اعتصاب نفسگیر و فلج کننده، علیرغم سانسور رسانه ای شدید، قابل پنهان کردن نیست و آنها را به وادار به تشکیل جلسه فوق العاده سران سه قوه در روز یکشنبه ششم تیرماه انداخته است. رئیس کمیسیون انرژی مجلس از "طرح دوفوریتی حل مشکل معیشت کارکنان صنعت نفت" و تشکیل جلسه فوق العاده سران سه قوه برای "حل مشکل اضافات حقوقی نفتی ها" خبر داد. شرکت نفت نیز از "صدور دستورات مسعود کرباسیان به مدیر مالی شرکت نفت برای حل مشکل اضافات حقوقی" سخن گفت.

این قدرت اتحاد و اعتصاب است که زالوها را به رقص مرگ وادار کرده است. ربیعی میان کارگران پتروشیمی می آید و خود را "کارگر دوست" معرفی میکند! همه خطر را حس کرده اند، ترسیده اند و قالب تهی کردند. هدف اصلی و کلیدی جلسه یکشنبه

صفحه ۲

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## قدرت اعتصاب

### جلسه فوق العاده سه قوه ...

احتمالا عقب نشینی هائی محدود و دادن برخی وعده دروغ برای جلوگیری از شکلگیری اعتصاب در نهم تیرماه است. بدنبال اعتراضات کارگران رسمی در ماههای اردیبهشت و خرداد، قدرت اعتصابات اخطاری کارگران پیمانی و پتانسیل و سرعت فراگیری آن، فضا را برای اعتصاب گسترده نفت و گاز در نهم تیر آماده تر کرد. جمهوری اسلامی بعد از نمایش مضحک انتخابات با شکوهمندترین اعتصاب کارگری در مهمترین مراکز صنعتی ایران آنهم در ملتهب ترین شرایط سیاسی روبروست.

روز پنجشنبه سوم تیر از جمله کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای در ماهشهر، کارگران مخازن نفتی بندر جاسک، بندرعباس، بندر تنبک و همچنین دو پالایشگاه آبادان و اصفهان وارد اعتصاب شدند. شرکت رگبی پالایشگاه اصفهان و مخازن نفتی جاسک به صورت کامل تعطیل شدند. روز چهارشنبه دوم تیر پتروشیمی هنگام عسلویه که یکی از مراکز مهم و بزرگ پتروشیمی ایران است وسیعا وارد اعتصاب شد. در همین روز شرکت پتروکیان (پاپینگ)، شرکت آذر فلز (استراچر)، شرکت آریا پیشرو (برق و ابزار دقیق) وارد اعتصاب شدند. روز سه شنبه کارگران پالایشگاه ماهشهر، پتروشیمی بوشهر و شرکت نفت تهران جنوب به اعتصابات پیوستند. همینطور کارگران میدانهای نفتی و پتروشیمی ها و نیروگاه ها در کمپین ۱۴۰۰ از جمله کارگران پیمانی نیروگاه سیکل ترکیبی ارومیه، کارگران پیمانی پتروشیمی فجر، کارگران پیمانی فاز ۲ پالایشگاه آبادان در شرکت‌های آریا دژ و اکسیر، کارگران پیمانی شرکت ایکو از پروژه نفتی سروک در میدان نفتی آذر، کارگران پیمانی شرکت دریا ساحل در میدان نفتی جفیر، گروه نفت ستاره دماوند و کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی جهرم به اعتصاب پیوستند.

#### وعده قبول نکنیم!

جلسه فوق العاده یکشنبه یک حلقه مهم در تعیین تاکتیک برای تداوم مبارزه برای خواسته‌های برحق مان است. سالهاست وعده میدهند و دروغ میگویند و اجرا نمی کنند. عمده کارفرماها و در راس آنها وزاران نفت و زنگنه وعده های اعتصاب سال گذشته را اجرا نکردند و دستمزدهای ۱۴۰۰ نیز حاصل نامه همین مجلس به وزارت نفت است که بدلیل کسر بودجه توجیه شد. خروجی جلسه یکشنبه خاتمه دادن به اعتصاب جاری و جلوگیری از اعتصاب نهم تیرماه با وعده های پوچ و احتمالا واریز بخشی از مابه التفاوت های حقوقی فراتر نمی رود و این با آنچه که کارگران نفت و گاز از رسمی و پیمانی میگویند خیلی تفاوت دارد. حرف ما روشن است و چند خواست مرکزی از جمله میزان دستمزدها و پرداخت بموقع آنها در بیابیه های قبلی تصریح شده است. امنیت شغلی یعنی لغو شرکت‌های پیمانی و استخدام توسط وزارت نفت و شرکت‌های تابعه با مزایای کارگر رسمی معلوم است. کاهش شیفت کار و برگشت به بیست روز کار و ده روز مرخصی کمپین ۱۴۰۰ میتواند با یک خط دستور برای کلیه شرکت‌های فازهای عسلویه و مناطق ویژه اقتصادی اجرا شود. خواسته‌های رفاهی کارگران مانند خوابگاهها و

سرویس و غیره، باضافه حق تشکل و اعتراض و امنیتی نکردن اعتراض و اعتصاب، پایان دادن به تهدید و اخراج همکاران اعتصابی، خواسته‌های واقعی دیگر همه ماست.

تردیدی نیست در جلسه روز یکشنبه به این خواسته‌ها جواب نمی دهند. تنها گسترش اعتصاب در این فاصله و

پیوستن مراکز کارگری دیگر و اعتصاب قدرتمند نهم تیرماه میتواند وادارشان کند که خواسته‌های کارگران را بپذیرند. وعده قبول نکنیم، فرصت ندهیم که با تطمیع و تهدید و اخراج و ایجاد شکاف اعتصاب شکوهمند کنونی را مجددا عقب برانند. تجربه سال گذشته را داریم.

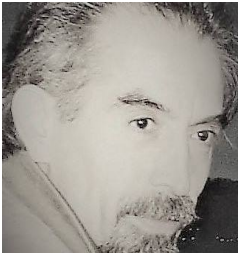
در این میان تمایل و خطی چه میان کارگران رسمی و چه در کمپین ۱۴۰۰ وجود دارد که برای رعایت قانون کاسه داغ تر از آش میشود. این گرایش آگاهانه توده کارگران را از دخالت در اعتصاب و حضور جمعی در اعتراض دور می کند، مشروعیت اعتصاب و جنبش اعتصابی را تابعی از مجاز امنیتی ها می کند و در مواردی اصرار عجیبی دارد که کارگران به شهرهایشان برگردند. روشن است که در برخی شرکتها برای در خوابگاه مانند در دوره اعتصاب محدودیت‌هایی هست اما سیاست تاکنونی فراتر می رود و بیشتر دنبال تعطیلی است تا اعتصاب و اعتراض. اعتصاب خاموش کارگر پیمانی که امکان اخراج و جایگزینی آنها سخت نیست، تاکتیک پیروزی اعتصاب نیست.

شرط اتحاد گسترده تر و استحکام اتحاد کنونی دخالت توده کارگران اعتصابی در امر مبارزاتی خویش است. مجمع عمومی و خرد جمعی رمز این اتحاد و تصمیمگیری برسر قدمها و اقدامات در دوران اعتصاب و مقابله با سیاستهای خودمحرانه و منفعت طلبانه ای است که بنام کارگران و علیه منافع آنی و آتی آنها صادر میشود. همه جا عوامل کارفرما، گرایش هائی که در تعامل با مدیران وزارت و صنایع از اعتصاب اهداف دیگری را دنبال می کنند و بخشا با ادبیات خود حکومت و کارفرما با همکاران سخن میگویند، تجربه ای است که در صنایع مختلف و مبارزات کارگری به وفور موجود است. هفت تپه یک نمونه روشن است. نفتگران با تجربه و سنت قدیمی شورائی ضروری است روی دوش تجارب اخیر روشهائی را اتخاذ کنند که با امر اتحاد کارگران و رسیدن به خواسته‌هایشان منطبق باشد. نفتی ها اکنون مورد توجه همه مردم آزادیخواه ایران هستند، نفتی ها با اعتصابشان گفتند آبان ادامه دارد و کارگر نفت کوتاه نمی آید. نفتی ها این ظرفیت را دارند که بار دیگر به امید جامعه برای آزادی بدل شوند.

هشیار باشیم، تاکتیک حکومت در روز یکشنبه را خنثی کنیم و برای اعتصاب گسترده در نفت و گاز و شرکت‌های تابعه و پتروشیمی ها آماده شویم. در کنار جنبش اعتصابی اعتراضات توده ای علیه فقر و گرانی یک اهرم حیاتی است. همه جا از کارگر نفت و اعتصاب نفت حمایت کنیم. اتحاد طبقاتی و جنبش قوی همبستگی کارگری برای اینروزهاست.

سردبیر.

۴ تیرماه ۱۴۰۰



اعلامیه حزب حکمتیست

## اعتصابات اخطاری کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها وحشت حکومت و سیاست اخراج کارگران اعتصابی



صنعت" به اعتصاب کارگران غیر رسمی نفت پیوستند.

تنها دو روز پس از انتصاب رئیسی و آن شکست فاحشی که از مردم خوردند، اعتصابات گسترده کارگران نفت شروع شد. این پاسخ طبقه کارگر به جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی از وحشت گسترش اعتراضات در چند روز آتی در کل صنعت نفت، با توصیه نهادهای اطلاعاتی اش، سیاست اخراج را در دستور گذاشت و امروز عصر ۷۰۰ کارگر اعتصابی اورهال در پالایشگاه تهران را دستجمعی اخراج کرد. این دستپاچگی حکومت بیانگر وحشت آنها از فضای اعتراضی بعد از مضحکه انتخابات است که حال با پتک اعتصابات کارگران نفت تکمیل شده است. نفتگران با اعتصاب اخطاری شان، فی الحال رئیسی و هیاهوی "پیروزی" انتخاباتی را میان نفت و قیر محو کردند. آنروز که قدرت این طبقه بمیدان بیاید طومارتان را بر باد میدهد.

حزب حکمتیست به اعتصاب و اتحاد کارگران نفت درود میفرستد و از اعتصاب برحق و باشکوه آنها حمایت می کند. اعتصاب نفت بویژه در این مقطع اهمیت سیاسی دارد و اعتماد بنفس در جامعه را تقویت می کند. پیش بسوی اعتصاب سراسری نهم تیرماه! همه جا و هر جا از اعتصاب و اعتراض و خواستهای کارگران نفت حمایت کنیم. علیه سیاست اخراج با گسترش اعتصاب جواب دهیم. نفتگران برگشته اند، جامعه به شما چشم دوخته است! درود بر رزم و اتحادتان!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱ تیر ۱۴۰۰ - ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱

اعتصابات کارگران غیر رسمی نفت و گاز و پتروشیمی ها ادامه اعتراضات دور گذشته برسر مطالبات متحقق نشده است که از روز ۲۹ خرداد با اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت فراب نیروگاه بیدخون برای افزایش دستمزد و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی در ماه، شروع شد و تا امروز اول تیر ۲۵ مجتمع و پالایشگاه و سکوی نفتی وارد اعتصاب شدند. در هفته های گذشته کمپینها و فراخوانهایی برای تاکید بر خواستهای کلیدی از جمله دستمزدها و قراردادهای و شیفت کار آغاز شده بود. همینطور کارگران رسمی نفت اعتراضات یکروزه و سراسری در ۲۹ اردیبهشت و ۵ خرداد داشتند که طی آن به نحوه محاسبه افزایش دستمزدهای سال ۱۴۰۰ شدیداً اعتراض کردند و اعلام کردند که برای اعتصابات سراسری ۹ تیر ماه تدارک می بینند.

آغاز اعتصابات اخطاری و زنجیره ای کارگران پیمانی و غیر رسمی نفت و گاز، هم اکنون موتور اعتصاب سراسری نهم تیرماه را داغ تر کرده است. خواستهای بلافصل کارگران پیمانی و غیر رسمی هم همین است؛ افزایش دستمزدها و بهبود شیفت کار. این کارگران همینطور متحدانه بر امنیت شغلی، استخدام مستقیم توسط وزارت نفت، برخورداری از مزایای کارگران رسمی و رفع هر نوع تبعیض متحد هستند.

بنا به اخبار و گزارشها، امروز ۱ تیرماه، "کارگران پیمانی پتروشیمی گچساران، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه بیدبلند بهبهان فاز ۲ پیمانکاری شالوده شایان، عمران صنعت فاز ۱۴، پتروشیمی بوشهر، اکسیر صنعت فاز ۱۴، شرکت سینا صنعت احمدپور در واحد ASU، شرکت نفت خشت و کنار تخته، پالایشگاه آدیش جنوبی کنگان مخازن کروی و استوانه ای پیمانکاری کرمی و شرکت راژان، شرکت توانمند فاز ۲۲ و ۲۴، شرکت عمران صنعت فاز ۱۴، فرجود در سایت ۱ بوشهر، پارس فنل کار و کلیه نیروهای پتروشیمی پارس فنل شرکت سینا صنعت (جوشکار، عایق کار، فیلتر، سویل رنگ، داربست بند، و کارکنان اداری) در عسلویه، سایت ۱ پتروشیمی بوشهر و پیمانکاری صمصام

# کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

# جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

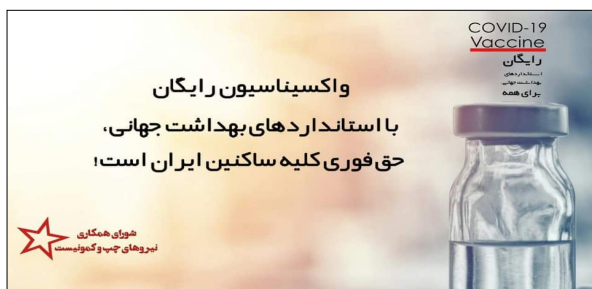
خود یعنی گسترش موثر جنبش اعتصابی و اعتراض توده ای و تامین رهبری متحد کننده و رادیکال، در رأس جنبش سرنگونی پیروزی قطعی را بفرجام رساند. نه قاطع به حکومت اسلامی در نمایش انتخابات، شرایط مساعدی برای پیشروی های بعدی فراهم کرده است که نباید از دست برود.

جمهوری اسلامی از نمایش انتخابات نامشروع تر و ضعیف تر و متشتت تر بیرون آمد. این هدف سیاست انقلابی عدم شرکت و مقابله با این نمایش مضحک بود. این هدف متحقق شد اما به تنهایی نمیتواند کارساز باشد. جمهوری اسلامی تلاش می کند این روزنه را با اتکا به فریب و وعده و سرکوب ببندد و جامعه را در کلاف مشکلات بی پایان دچار روزمرگی کند. لذا باید روی دوش این پیشروی قدمهای بعدی را برداشت. تاکتیک مقطع کنونی اینست که اولاً، شکست رژیم را بیوقفه به تعرض کارگری و توده ای بدل کنیم. ثانیاً، متشکل شویم و سازمانهای متناسب خیزش توده ای و کارگری برای سرنگونی انقلابی را ایجاد و تحکیم کنیم. ثالثاً، شبکه ارگانهای دفاع از خود را در محلات و شهرها سازمان دهیم. رابعاً، به جریانات اپوزیسیون مجاز و اپوزیسیون بورژوائی اجازه ندهیم که شکست حکومت اسلامی را با پلاتفرمهای دفاع از اساس نظم سرمایه داری بنفع خود مصادره کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بعنوان نیروی انقلابی و کمونیست سرنگونی طلب و سازش ناپذیر، در شکل دادن به پیشروی کنونی آگاهانه نقش ایفا کرده است و خود را در شادی و احساس پیروزی کارگران و مردم آزادیخواه شریک میداند. نبردهای تعیین کننده برای سرنگونی انقلابی کلیت حاکمیت اسلامی تازه آغاز شده است. فراخوان ما اینست همه جا ارگانهای عمل مستقیم توده ای و کارگری، شوراها، را ایجاد کنید. به حزب حکمتیست بپیوندید، متحزب شوید و با پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر برای پیروزی آماده شویم. آینده از آن ماست!

### حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱ تیر ۱۴۰۰ - ۲۲ ژوئن ۲۰۲۱



### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی  
کمونیسیت

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

## شکست بزرگ رژیم، پیشروی مهم مردم

### آبان ادامه دارد!

روز ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ جمهوری اسلامی شکست بزرگی از مردم خورد. خواست سرنگونی کلیت حکومت اسلامی بار دیگر و در مقیاسی وسیع به کاربردستان رژیم اعلام شد. به این ترتیب جنبش سرنگونی پیشروی مهمی را تثبیت کرد. اینبار قویتر از "انتخابات" سال ۹۸ در سراسر کشور مردم با شرکت نکردن در مضحکه انتخابات به اصلاح طلب و اصولگرا یادآوری کردند که آبان ادامه دارد. علیرغم تمام تمهیدات حکومتی بر همه روشن بود که کسی وقعی به این مسخره بازی اسلامی نمی گذارد. بیش از هر کسی خامنه ای می دانست که حکومتش با انزجار بیسابقه مردم روبروست و آگاهانه با کنار گذاشتن خودی ترین خودی ها، راه را برای از صندوق درآوردن یک جلد کهنه کار، ابراهیم رئیسی، فراهم کرد. عدم شرکت گسترده و بیسابقه مردم در چهار دهه گذشته، بیانگر عزم قاطع جامعه ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

شکست مفتضحانه حکومت اسلامی برای مردم ایران و جهان بحدی عیان است که تبلیغات پوک حکومتی مبنی بر "حضور پرشور مردم در انتخابات" تنها با تمسخر بدرقه میشود. بار دیگر ثابت شد که قویترین رای و تمایل در جامعه سرنگونی است. رژیم اسلامی بحدی بی اعتبار است که آرای باطله رکورد میزند و در مکان دوم می نشیند و در استانهایی اولین رای و حتی بیشتر از مجموع آرا کاندیداها بوده است. آرای باطله، یک تصویر "رای دهندگان" است. در روستاها و شهرهای زیادی خرید و فروش علنی رای و تقلب و بریز و بپاش برای رای خریدن تصویر دیگر این مضحکه بود. بویژه آرای باطله که از رای کاندیدای اصلاح طلب بیشتر بود، کوبیدن میخ آخر بر تابوت اصلاح طلبی اسلامی بود. مردم سالهاست پایان ماجرای دو جناح را اعلام کردند، حکومت نیز ناچار شد بازی دو جناح را کنار بگذارد.

### مصافهای تعیین کننده در راه است!

دور جدیدی از خیزشهای انقلابی و اعتراضات توده ای علیه فقر و فلاکت و اختناق در دستور جامعه قرار داد که سرنوشت جمهوری اسلامی را رقم میزند. مصافهای تعیین کننده در جدال سیاسی و طبقاتی بین حاکمیت استثمارگران سرمایه و طبقه کارگر و مردم رقم خورده است. تعرض جامعه شرایط جدیدی ایجاد کرده و حاکمیت اسلامی را در موقعیت بغرنجی قرار داده است. رژیم اسلامی با رئیسی و یکدست تر کردن بدنه حاکمیت، با پلاتفرم فوق ارتجاعی تشدید تعرض معیشتی و سیاسی علیه مردم و همزمان کرنش در مقابل قدرتهای بزرگ و غرب در چهارچوب "برجام"، به امید تخفیف تحریمها و دست زدن به مانورهای توخالی "مستضعف پناهی"، خود را برای مواجهه با دور جدید اعتصابات کارگری و خیزشهای انقلابی و توده ای آماده می کند. در مقابل، طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی نیز به استقبال رودروئی های آتی با حکومتی میروند که خود را فشرده تر کرده است. در ایندوره کارگر و کمونیسم باید با عزم و اراده، با بدست گرفتن اهرمهای

## "ملزومات برقراری دموکراسی در ایران"

### دموکراسی: تعابیر و واقعیات

#### گفتگو با منصور حکمت

**انترناسیونال:** چند و چون و ملزومات برقراری دموکراسی در ایران یکی از مباحثات مهمی بود که در انقلاب ۵۷ در درون چپ ایران جریان داشت. در آن مقطع شما، و اتحاد مبارزان کمونیست، در نوشته‌هایی مانند، "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" و سایر متونی که بعداً مبنای برنامه حزب کمونیست ایران را ساخت، کلاً وجود زمینه عینی برای برقراری دموکراسی لیبرالی در ایران را با ارجاع به مشخصات اقتصاد سیاسی چین کشوری مورد سوال فرار دادید. امروز، در پرتو تحولات مهم بین‌المللی سال‌های اخیر و همین‌طور مباحثاتی که در مورد دموکراسی در جهان امروز مطرح می‌کنید، در قبال این مسأله چه می‌گویند؟

**منصور حکمت:** بحث ما در انقلاب ۵۷ و از جمله در نوشته‌هایی که به آن اشاره کردید چهارچوب روشن و قابل‌درکی داشت. مردم علیه رژیم استبداد سلطنتی انقلاب می‌کردند و آزادی می‌خواستند و بخش اعظم چپ، عملاً در پامنبری احزاب اصلی بورژوازی و خرده بورژوازی، به این توهم مردم دامن می‌زد که گویا ایجاد یک رژیم سیاسی غیر سرکوبگر، و به تعبیر عامه دموکراتیک، بدون خلع‌ید از بورژوازی بطور کلی، بدون زدن ریشه سرمایه‌داری در ایران ممکن است. حال یکی حکومت دموکراتیک را حکومت مخلوقات اساطیری ای مانند بورژوازی ملی یا خرده بورژوازی ضد - امپریالیست می‌دید و دیگری خودش و یا طبقه کارگر را عامل اجرایی این تحول دموکراتیک تلقی می‌کرد. یکی احتمالاً مدلش را از اروپا و غرب می‌گرفت و یکی از انقلابات خلقی در جهان سوم، یکی لیبرال بود و دیگری دولت‌گرا و خلقی. بخشی از این جریان‌ها یک سره منکر حاکمیت سرمایه‌داری در ایران بودند و معتقد بودند که وظیفه انقلاب تازه تحقق حاکمیت سرمایه‌داری، البته از نوع "خودی و خوب و مستقل"، در برابر فئودالیسم استعماری است که به زعم آنها بر کشور حاکم بود و مبنای استبداد سیاسی را هم تشکیل می‌داد. وجه مشترک این‌ها، بهرحال، این بود که سرمایه‌داری غیر سرکوبگر در ایران را نه فقط یک امکان واقعی، بلکه هدف مبارزه انقلابی جاری قلمداد می‌کردند. همه به نحوی از انحاء استبداد را از حاکمیت سرمایه‌داری در ایران جدا می‌کردند و منشاء آن را خارج آن قرار می‌دادند. برای یکی منشاء استبداد فئودالیسم و استعمار بود، برای دیگری امپریالیسم و "وابستگی" و برای یکی دیگر غیر صنعتی بودن و ناکافی بودن رشد سرمایه‌داری در ایران یا عدم رشد فرهنگ مدرن بورژوایی. در مقابل این‌ها ما استدلال کردیم که بی‌حقوقی سیاسی مردم و توحش دولتی و سرکوب در ایران معاصر نه تصادفی است، نه توطئه اجنبی است و نه ناشی از فرهنگ عقب‌مانده مردم و نه کمبود کارخانه و سرمایه‌دار خودساخته وطنی. ریشه این اختناق نیازهای کلیت رژیم سرمایه‌داری در ایران است. ما استدلال کردیم که وجود آزادی‌های مدنی که با دموکراسی تداعی می‌شود، نظیر آزادی بیان و تشکل و اعتصاب در همان حد غربی‌اش، با نیاز حیاتی سرمایه‌داری در ایران (مانند طیف وسیعی از کشورهای جهان) به کار

ارزان و کارگر خاموش تناقض دارد. اختناق در ایران نه ابزار خفه کردن بورژواها توسط فئودال‌هاست و نه زدن بورژواهای "میهنی" توسط بورژواهای "وابسته". این رژیم است که کل بورژوازی در برابر طبقه کارگر ایران علم کرده و در سایه‌اش دارد انباشت سرمایه می‌کند. هر کس و با هر نیتی، با هر رنگ

پرچمی و با هر مدل اقتصادی‌ای، بخواهد در جهان امروز سرمایه‌داری ایران را بچرخاند قبل از هر چیز بناگزییر پایه این اختناق را محکم می‌کند.

این حرف‌ها را ما وقتی می‌گفتیم که هنوز مسلمین در ایران سرکار نیامده بودند، تا چه رسد به این که ۳۰ خرداد فرا رسیده باشد. دوره‌ای که اعطای آزادی و دموکراسی حداقل انتظار چپ رادیکال سنتی از بورژواها و خرده بورژواهای "مترقی و ضد امپریالیست" شان بود که داشتند به قدرت می‌رسیدند.

۱۵ سال و ده‌ها هزار قربانی از آن زمان می‌گذرد. فکر می‌کنم حقانیت آن بحث‌ها و آن هشدارها برای هر کسی که آزادی سیاسی، ولو با تعبیر لیبرالی و دموکراتیک، درد واقعی‌اش باشد قابل مشاهده است. اگر تنم چپ رادیکال بنظر می‌رسد باز دارد، این بار حتی به شکل ساده لوحانه تری، وعده یک ایران بورژوایی دموکراتیک را به مردم می‌دهد از آن روست که حتی دموکراسی امر واقعی‌اش نیست. ناسیونالیسم و آرمان توسعه صنعتی رگه اصلی در تعریف هویت سیاسی این‌هاست. دموکراسی برای این‌ها به معنی، "دولت قابل تحمل" است و برقراری این به زعم خیلی‌هایشان از عهده جناح‌هایی از حکومت موجود و یا شاخه‌هایی از اپوزیسیون بورژوایی بر می‌آید.

به نظر من تحولات سیاسی در صحنه بین‌المللی، چه در عروج تاچریسم در ده ۸۰ و چه در تحولات تاریخی و به مراتب مهم‌تر سال‌های اخیر، سقوط بلوک شرق و پایان جنگ سرد و عواقب پدیده آن، بر حقانیت اساس نگرش ما در مورد ربط مستقیم دموکراسی با موقعیت اقتصادی بورژوازی در قبال طبقه کارگر صحنه گذاشته است. انگلستان مهد لیبرالیسم و دموکراسی بوده است. اما وقتی طبقه بورژوا عرصه را از نظر اقتصادی به خود تنگ می‌یابد و تاچریسم را به ایندولوژی رسمی خود تبدیل می‌کند، ابتدایی‌ترین حقوق سندیکایی کارگران و حقوق مدنی توده مردم لغو می‌شود. در سیر تحولات بلوک شرق نه تنها مشخص شد که دموکراسی اسم رمز بازار و رقابت و تعدد سرمایه‌هاست، بلکه این هم معلوم شد که گسترش کاپیتالیسم خصوصی و انباشت سرمایه در کشورهایی با بنیادهای تکنولوژیک ضعیف جز با کاهش شدید سطح زندگی کارگر و سهم او از تولید اجتماعی مقذور نیست. این مسأله فوراً تعبیر متناسب خود را از مقوله دموکراسی را هم بیار آورد. تعبیری که رسانه‌ها و ژورنالیسم بی‌شرم دهه نود هر روز به مردم می‌خوراند. این جا دیگر دموکراسی حتی در سطح فرمال معنایی معکوس پیدا می‌کند. این جا، "دموکرات" به نیروهای مورد اعتماد دول غربی می‌گویند که آماده اند قیمت‌ها را آزاد کنند و سطح معیشت مردم را بشدت پائین ببرند، و در مقابل موج ناراضی‌تاری مردم

## پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق فرهاد شعبانی



با تاسف فراوان مطلع شدیم که بامداد امروز یکشنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۲۱ رفیق فرهاد شعبانی عضو کمیته مرکزی کومله بعد چند ماه جدال با بیماری سرطان درگذشت.

رفیق فرهاد شعبانی بیش از چهاردهه در صفوف کومله و حزب کمونیست ایران تلاش و مبارزه کرد. ما درگذشت رفیق فرهاد شعبانی را به

همسر و فرزندان عزیزش، به خانواده و بستگان، به رفقای در صفوف حزب کمونیست ایران و کومله صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

یاد رفیق فرهاد شعبانی گرامی است.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۰ ژوئن ۲۰۲۱

## "ملزومات برقراری دموکراسی در ایران"

### دموکراسی: تعابیر و واقعیات ...

وضعیت فوق العاده اعلام کنند، حقوق مدنی را معلق کنند، استبداد فردی راه بی اندازند و اعتصاب و تحزب را ممنوع اعلام کنند. دموکراسی اسم مستعار دوستان دست راستی و دیکتاتور مآب بانک جهانی در این کشورهاست. بهرحال معلوم شده که نظام پارلمانی که بورژوازی غرب در ویتترین آویزان کرده بود با موقعیت اقتصادی بورژوازی کشورهای شرق و با نیاز این طبقه به سرکوب خش هر ابزار وجود جدی کارگر در این کشورها تناسب ندارد.

منصور حکمت: مجموعه آثار

جلد هشتم ۱۹۹۲-۱۹۹۷. ۱۳۷۰-۱۳۷۶

دموکراسی: تعابیر و واقعیات (ص ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵)

## به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در مورد:

## شکست مضحکه انتخابات رژیم در کردستان

طبق اخبار رسیده از شهرهای کردستان، همانطور که انتظار می رفت نمایش خیمه شب بازی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان با بی تفاوتی وسیع و انزوای کامل روبرو شده است. هرچند در دوره های قبل هم همین رسوایی نصیب رژیم اسلامی در مضحکه هایش شده بود، اما این بار بخصوص در پرتو امتناع و مقابله وسیع و سراسری در جامعه، بازار عوامفریبی این نمایش در کردستان بی رونق تر از هر زمان دیگری بود.

صدها گزارش و شاهد عینی و فیلم و دوربین مداربسته، حکایت از این دارند که صندوق های رای در کردستان محل تجمع و حضور بهم رساندن نیروهای نظامی و بقیه مقامات اداری و مزدوران محلی جمهوری اسلامی بوده اند. شکست مقتضحانه رژیم در کردستان را با تبلیغات عوامفریبانه میدیای معلوم الحال جمهوری اسلامی و آمارهای جعلی آنها نمیتوان پرده پوشی کرد.

جمهوری اسلامی در کردستان و خارج از کردستان، با سیری کردن این مضحکه مسخره همچنان در انواع بحران و تناقض دست و پا می زند. حاکم کردن یک قاتل شناخته شده نه تنها گریه از مشکلات عدیده آن باز نخواهد کرد، بلکه مقاومت و حق طلبی کنونی جامعه را گسترده تر از قبل در مقابل آن قرار خواهد داد. جامعه ایران آستان تحولات مهم و تعیین کننده ای در مقابل رژیم مرتجع اسلامی است. اعلان جنگ دهها میلیون انسان به جان آمده که در این سالها چندین بار پایه های ارتجاع اسلامی را به لرزه در آورده اند، با گماردن یک قاتل شناخته شده نه تنها فروکش نخواهد کرد، بلکه با کنار رفتن جناح اصلاح طلب از بازی قدرت جناحها، عربانتر از هر زمان دیگر ادامه پیدا خواهد کرد.

اما در کردستان هم نتیجه منزوی کردن جمهوری اسلامی در مضحکه انتخابات باید به گسترش صفوف مردم و مبارزات متحد آنها بیانجامد. باید شکست انتخابات جمهوری اسلامی موجب همبستگی و گسترش مبارزات عدالتخواهانه علیه جمهوری اسلامی تا بگور سپردن این رژیم جنایتکار بشود. باید تحمیل این شکست به رژیم اسلامی موجب امیدواری و آمادگی بیشتر برای مصافهای پیش رو بشود.

کمیته کردستان حزب حکمتیست به تمام کسانی که شکست مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی در کردستان را ممکن کردند دست مریزاد می گوید و آنان را به اتحاد و همبستگی محکمتر برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی تا سرنگون کردن این رژیم منحوس فرامی خواند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۲۹ خرداد ۱۴۰۰

## کنفرانس خارج کشور حزب حکمتیست با موفقیت برگزار شد

یکشنبه ۲۰ ژوئیه تشکیلات خارج کشور برنامه خود را با حضور اکثریت اعضای حزب در خارج کشور برگزار کرد. کنفرانس بعد از پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیاد جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم با سخنرانی رفیق سیاوش دانشور با نگاهی به اوضاع کنونی و وظایف حزب حکمتیست در خارج کشور آغاز بکار کرد.

پروین کابلی، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب سپس با اشاره به گزارش کتبی که قبلاً بدست اعضای حزب در خارج کشور رسانده شده بود، به مهم ترین فعالیت های حزب در خارج بخصوص وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی بوجود آمده توسط پاندمی کرونا و قرنطینه یک ساله در جهان و قطع ارتباط زنده با رفقای حزبی، مروری به مهم ترین فعالیت های حزب در دوره گذشته کرد و فعالیت های حزب در دوره گذشته حزب را در مجموع مثبت ارزیابی کرد.

پس از ارائه گزارش کاری دوره گذشته دبیر تشکیلات خارج کشور، رفقای شرکت کننده هم حول فعالیت های دور قبل و مصافهای کاری در دور آتی حزب بحث و گفتگو کردند. مهم ترین تاکیدات اعضای حزب برای کار در دوره آتی تشکیلات بدینگونه بودند:

تقابل رادیکال با جمهوری اسلامی در خارج کشور و بستن سفارتخانه ها و مراکز آن از جمله سفارتها و کنسولگریهای حکومت ترور باید یکی از اساسی ترین فعالیت های ما در خارج کشور باشد.

حزب حکمتیست و تشکیلات خارج کشور آن باید مدافع و نماینده پرشور مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری سوسیالیسم در ایران باشد. بدین منظور ضروری است که تشکیلات خارج کشور ارتباطات خود را با سازمانها و احزاب مترقی تقویت کرده و بدین وسیله حمایت جهانی از مبارزات آزادیخواهانه و سرنگونی انقلابی مردم ایران را بدست آورند. جامعه ایران آستان حوادث بزرگ و خیزشهای توده ای در زیرکشیدن بساط جمهوری اسلامی است. تشکیلات خارج کشور حزب در این راستا باید خود را آماده کرده و تشکیلات خود را بر این اساس سازمان دهد.

حزب حکمتیست بر لزوم تقویت بنیه انسانی و مالی خود در تشکیلات خارج کشور تاکید میکند.

ظهور یکدست، قدرتمند و رادیکال حزب در خارج کشور برای مقابله با جمهوری اسلامی و نمایندگی و حمایت کردن طبقه کارگر ایران در خارج کشور از جمله وظایف دیگر تشکیلات حزب در خارج کشور است.

تشکیلات خارج کشور مصر است به معضل پناهندگی و راسیسم و فاشیسم برخوردارهای درخور نشان دهد.

تشکیلات خارج کشور حزب امر تقویت جنبش آزادی زن را

همچنان از وظایف خود میداند. سازمانهای حزبی در خارج کشور باید براساس طرح تشکیلاتی سروسامان یافته و آماده تر شوند. حزب در دوره گذشته قدمهای مثبتی در عضوگیری برداشته است. کار نقشه مند، عضو گیری و جذب نیرو حول اهداف کمونیستی ما، دعوت به مسئولیت پذیری بیشتر اعضای تشکیلات، گسترش مدارس حزبی از جمله موارد دیگری بودند که اعضای حزب در آن اتفاق نظر داشتند. ایجاد ارتباطات با احزاب و سازمانهای مترقی، گسترش و تقویت فعالیت های حزبی در شوشیال مدیا، گسترش هدفمند تبلیغات دیجیتال دیگر مواردی بودند که اعضای حزب بر آنان تاکید داشتند.

تشکیلات خارج کشور حزب تلاش میکند که با ارتباطات و امکانات موجودش، به تشکیلاتهای دیگر حزب از جمله تشکیلات داخل کشور همکاری کند.

تشکیلات خارج کشور حزب باید به مسئله پناهندگی و تشکیل سازمان پناهندگان بی مرز اقدام نماید.

شیوع پاندمی کرونا، امر تقویت و سازماندهی کمیته های محلی را به تعویق انداخته اند. کنفرانس خارج کشور بر ضرورت تقویت و سازماندهی مجدد حزب در خارج مطابق با نیازهای دوره اخیر تاکید داشت.

در بخش دوم رفیق سیوان کریمی پلاتفرمی را که رئیس دوره آینده فعالیت های تشکیلات خارج را برشمرده بود، از طرف کمیته خارج کشور به کنفرانس ارائه داد. پس از یک دور گفتگو و بحث پلاتفرم پیشنهادی در کنفرانس به اتفاق آرا به تصویب رسید.

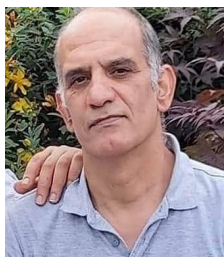
بخش سوم کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب به انتخابات برای اعضای کمیته خارج کشور اختصاص داده شد. کنفرانس از میان پیشنهادات تعداد پنج عضو را تصویب کرد که به همراه دبیران کمیته های شهری و کشوری کمیته خارج کشور را تشکیل بدهند.

از میان کاندیداها رفقا: سیوان کریمی، وریا روشنفکر، کریم نوری، الهام صالح نیا و نادر شریفی انتخاب و به همراه دبیران کمیته های شهری و کشوری رفقا: مختار محمدی، فخری جواهری، سعید آرمان، (دبیران تشکیلاتهای استکهلم، کانادا، بریتانیا و همینطور دبیران کمیته های حزبی گوتنبرگ، برلین، کلن، نورژ و ...) بعنوان اعضای کمیته تشکیلات خارج حزب انتخابات شدند. کنفرانس از رفیق پروین کابلی که دوره گذشته مسئولیت کمیته خارج حزب را بعهده داشت صمیمانه قدردانی کرد.

کنفرانس خارج حزب بعد از رسیدن به دستورهای جلسه با موفقیت پایان یافت. اعضای منتخب کمیته خارج در جلسه ای که بعد از کنفرانس برگزار گردید، رفیق نادر شریفی را به عنوان دبیر کمیته خارج کشور حزب انتخاب کرد. رفقا سیوان کریمی و الهام صالحی نیا بعنوان مسئولین تبلیغات، کریم نوری بعنوان مسئول مالی و رفیق وریا روشنفکر به عنوان مسئول تدارکات برگزیده شدند.

## معنای واقعی شکست مضحکه انتصابات

جاوید حکیمی



حکومت اسلامی رفتنی است لیکن پسرعموهای ناسیونالیست شان در اپوزیسیون دارند می آیند. اپوزیسیون پروغرب نیز حالا و با عروج جنبش کارگری به نقش و اهمیت کلیدی طبقه کارگر در پروسه سرنگونی پی برده است. شه‌ریار آهی به نمایندگی از کسانی که همین چندی پیش ترامپ را امید اول سرنگونی می دانستند حالا با افتخار می

گوید قهرمان من اسماعیل بخشی است. جالب است نه؟ سخنگوی شورای مدیریت گذار از حکومت اسلامی به دولت بنیاد بازار، عاشق اسماعیل بخشی شده است؛ کارگری که هر چه کشیده از دست همین سرمایه داری و بازار بوده و مالکیت خصوصی.

در نگاه نخست هیچ چیز طبیعی تر از اتحاد نیروهای سرنگونی طلب برای یکسره کردن کار دشمن مشترک نیست. با این همه تاریخا و تحقیقا ارمغان طبقه کارگر از این وحدت طبقاتی چیزی جز حلقه های نوین بردگی نبوده است. از انقلاب کبیر فرانسه به این سو اپوزیسیون بورژوازی در هیچ جدالی شرکت نکرده مگر به یاری کارگران و همین کارگران نخستین قربانیان پس از باصطلاح پیروزی بر دشمن مشترک بوده اند. اکنون نیز بورژواهای رشید و دمکرات ایرانی، به فکر اتحاد با چپ و کارگر افتاده اند چرا که امیدشان را به رژیم چینج یا بند و بست با حکومتی ها از دست داده اند. بگذارید صریح و شفاف بگویم، اینها کارگران را برای گوشت دم توپ می خواهند. وقتی شه‌ریار آهی این مدافع سرسخت گذار بدون خشونت نیز به دنبال ایجاد دیماه و آبان خونین دیگری است این نمی تواند معنایی جز استفاده ابزاری از کارگران برای پروژه گذار داشته باشد. اسماعیل بخشی قهرمان بورژوازی شده است چرا که فهمیده اند عبور از سد حکومت داعش، بدون به میدان آمدن کارگران و جانفشانی آنان میسر نیست. پس از سرنگونی اما، اسماعیل قهرمان، کارگری ساده می شود نظیر همه کارگران دیگر، کسی که باید نیروی کارش را بفروشد تا زنده بماند؛ همین.

روزگاری "وحدت کلمه" زیر سایه ولایت فقیه گشادترین کلاهی بود که به سر مردم رفت. حالا "اتحاد چپ و راست" و وحدت طبقات متضاد کلاهبرداری آشکار دیگری است از جنس همان "وحدت کلمه". هیچ اتحادی در کار نیست. ما کارگران و کمونیست ها از همین امروز برای یک حکومت کارگری با ساختار شورایی می جنگیم و به چیزی کمتر از این رضایت نمی دهیم.

۲۴ جون ۲۰۲۱



سرانجام مضحکه انتصابات با بیرون آمدن نام رییس قاتل ها از صندوق پایان یافت. در مسخره بودن آن، همین بس که قاضی القضاات و عضو هیئت مرگ، اصلی ترین رقیب خود یعنی آرای باطله را شکست داد و رییس جمهور شد. شمار چشمگیر آرای باطله و صف عظیم تحریم کنندگان، تنها نکته ای است که اردوی راست جامعه اعم از اپوزیسیون درون و بیرون حکومت آن را برجسته می کنند. برخی حتی وقیحانه اینطور تبلیغ می کنند که غیبت کاندیداهای جناح رقیب و کوشش حاکمیت برای یکدست شدن، علت اصلی تحریم و سوت و کور بودن این مضحکه بوده است. واقعیت این است که هجوم و نه تحریم، خصلت نمای رفتار مردم در این دوره است. مردم "متمدنانه" انتخابات را تحریم نکردند بلکه انقلابی مآبانه به طرف رای دهندگان هجوم بردند. کارآترین حربه مخالفان برای عدم شرکت در انتخابات، همانا تاکید بر کشته شدگان آبان خونین بود. مردم اینبار برخلاف دوره های پیشین، اساسا در خارج کشور و در چند مورد در داخل کشور، رای دهندگان را نه جماعتی متوهم و بازی خورده بلکه تعدادی رژیم بی شرف خواندند. به آنها یادآور شدند که انگشت در خون جانباختگان آبان و نوید افکاری ها و بهنام محجوبی ها می زیند و به حکومت فقر و جنایت رای میدهند.

عدم شرکت وسیع بعنوان قویترین رای، آرای باطله که آنهم نهایتا اعتراضی است، همینطور اعتراض به رای دهندگان در داخل و خارج کشور نشان از آمادگی جامعه برای سرنگونی دارد. درست همین نشانه و همین آمادگی است که اپوزیسیون ملی-اسلامی سعی در کتمان آن دارد و لیبرال های پروغرب قصد بهره برداری از آن. یاهو می گویند کسانی که واکنش مردم معترض را در چارچوب نافرمانی مدنی تعریف می کنند. ایشان خوب می دانند هر آینه نیروهای پلیس و قوای سرکوبگر پای صندوق ها حضور نداشتند توده های خشمگین مراکز صندوق چرخانی را به آتش کشیده و رای دهندگان را روانه خانه هایشان می کردند. آن واقعیتی که حکومت برای گریز از آن، این بار قید "حضور حماسی" مردم را زد و از خیر بازی "بد و بدتر" گذشت، این بود که در یک جامعه انفجاری نمیتوان با حضور مردم و قطعی کردن فضا بازی کرد. به رغم این، همان درجه هجوم در داخل و اعتراض در سراسر خارج کشور به رای دهندگان، باندازه کافی واضح بود. از این نقطه تا از خجالت مسئولین ارشد درآمدن و سرنگون کردنشان گامهای زیادی مانده است.

پیشتر و در مقاله ای دیگر گفته بودیم حکومت می داند جنبش کارگری در صورت تعرض، انگیزه و توانایی در هم پیچیدن تار و بود نظام را دارد. هم از اینرو کوشش می کند تا شاخه کارگری خویش را در هر مرکز تولیدی که می تواند ایجاد نماید و بسط دهد. بدینسان با منقضی شدن تاریخ مصرف تشکل های زرد و ضد کارگری شوراهای اسلامی و خانه کارگر، حالا ما شاهد عرض اندام عناصر ولایت مدار و ضد کارگر هستیم. حالا بسیجیان اسیدپاش ملبس به لباس کارگری در قامت "عدالت خواهان" برای شکار "لیدرهای" کارگران خیز برداشته اند. زهی خیال باطل. اینها نیامده رسوا شدند و توسط همان کارگران به حق لقب "عدالت خواران" گرفتند.



## علیه خط اعتصاب شکنی بنام کارگر نفت

سیاوش دانشور

اعتصاب شکنی خط مقدم هر تلاش کارفرمایان در اعتصابات کارگری است. از نگاه کارفرما که قطب نمایش بهره کشی از کار کارگر و کسب سود است، توقف در تولید یعنی توقف کسب سود، یعنی به رعشه افتادن جریان خون سرمایه. اعتصاب شکن کسی است که در لباس کارگر و با نام کارگر و با ملاحظات "منافع کارگر" اهداف کارفرما را دنبال می کند. اعتصاب شکن کارش اینست که اتحاد و عزمی که میان کارگران به اعتصاب منجر شده را درهم بشکند، بی خاصیت اعلام کند، ناامیدی میان کارگران ببرد و روند تسلیم به کارفرما را تسهیل کند. کارگری که درست وسط جنگ با کارفرما، مشاور اقتصادی و سیاسی کارفرمایان و حکومت می شود، از ما نیست، بر علیه ماست، سرباز کارفرما در میان کارگران است.

تعدادی بی نام و نشان بنام "کارگران رسمی نفت" و از "اتاق افکار"، اعتصاب کارگران پروژه ای را "به جد تقبیح" کردند! فرموده اند که "شاید شکلگیری این حرکت چند روز پس از انتخابات عمده باشد"، گفته اند "مسئولین وزارت نفت آنها را بازی داده اند" و از کارگران پروژه ای خواسته اند بازی نخورند! این کارگر نماهای ناسیونالیست دواتشه تاکید کردند که "چشم اجانب" به شماست!!!

### کارگران اعتصابی نفت و گاز و پتروشیمی ها!

این خط و سیاست و ادبیات خود خود اطلاعات است حتی اگر از زبان بهترین رفقای ما بیرون بیاید. این در بهترین حالت همان خطی است که در اعتصابات قبلی تلاش داشت توده کارگران را از اعتصاب دور نگهدارد، مسائل را به دالانها احاله دهد، تعامل با قانون و راههای قانونی را موعظه می کرد و حالا وکیل مدافع دولت سرمایه داری و "انتخابات" شده است. این تحلیل امنیتی است که کارگر را بدهکار میکند که چرا دو روز بعد از انتخابات اعتراض و اعتصاب کردی! خب به توجه؟! آژان نمی خواهیم! مگر کارگران وکیل وصی و مجری انتخابات قلابی حکومت بودند که حالا برای کسی که بهترین رهبران نفت در جنبش شورانی بعد از قیام ۵۷ را کشته است دایره و دنبک دست بگیریم؟! انتخابات هیچ مکانی در ذهنیت ما نداشت و ندارد و اتفاقا درست این است که قیل و قال انتخاباتی را در چاه های نفت و انبارهای قیر و ضایعات نفتی مدفون کنیم. این انتخابات مسخره همین هم از سرش زیاد است.

و شماها، که ادعای "کارگر رسمی" دارید، لطفا آبروی همکاران رسمی ما را نبرید. معلوم نیست از وزارت اطلاعات این نامه صادر شده یا توسط مدیریت و مشاوران کودن اش. ما میدانیم که نفت به جانتان بسته است، میدانیم از هر تحرک کارگر نفت وحشت دارید، میدانیم بی اعتبارتر از هر زمانی هستید. معامله با اعتصاب ما موقوف!

### کارگران نفت!

مواظب پرووکاسیون عوامل کارفرما و امنیتی ها باشید. هستند عده ای

تازه کار شال کلاه کردند که در دولت رئیسی جلاد، "شاخه کارگری" درست کنند. آنها در صورت مسئله بصورت فرمال و تاکتیکی خود را با ما نشان میدهند، اما در پاسخ به مسائل مدافعین همین شرکت های پیمانی و سرکوب و اختناق در مجموعه صنایع بزرگ و شرکت نفت اند. مبارزه با خط اعتصاب شکنی جز مهم مبارزه اعتصابی است. کارگران رسمی لازم

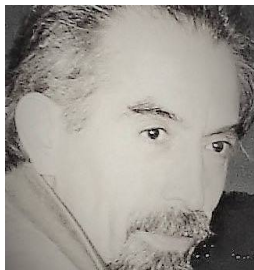
است به تشبثات این حضرات جواب دندان شکن بدهند. لازم است روشن بگوئیم اعتصاب شکن هر که باشد، با پلیس و دستگاه امنیت فرق ندارد، جزو مکمل آنست. اگر چیزی باید "به جد تقبیح گردد" خط اعتصاب شکنی و ادبیات امنیتی اطلاعاتی حضرات علیه اعتصاب است.

۲ تیر ماه ۱۴۰۰

### توضیح و تشکر

امروز پنجشنبه سوم تیرماه در سوشیال میدیا یکی از دوستان خبرنگار حوزه کارگری واکنش و توضیح یکی از کارگران رسمی نفت در باره بیانیه گروه تلگرام افکار نفت را منعکس کرده بود. این کارگر رسمی نفت تصریح کرده بود که این گروه تلگرامی نه سازمان سندیکائی اند و نه نماینده منتخب کارگران رسمی اند. کارشان معمولا منعکس کردن اخبار است و نظر خودشان را گفته اند. همینطور تاکید کرده بودند که بیشتر همکاران رسمی اگر چنین بیانیه ای را دیده بودند حتما با آن مخالفت میکردند. عبارتی دیگر این نظر نویسندگان این گروه تلگرامی بوده که زیر تیتر و بنام "کارگران رسمی متخصص نفت" درج شده است. یادداشت فوق بدست این تفکیک را قائل شده و در مورد یک خط مشی و نظر ضد اعتصاب سخن میگوید. تفکیک کارگران رسمی که خود منشا و پرچمدار رفع تبعیض و ایجاد اتحاد میان کارگران رسمی و پیمانی بوده اند، با این دیدگاه که به رئیسی تریک میگوید و اعتصاب کارگران پیمانی را "به جد تقبیح" میکند، روشن است و بر ضرورت پاسخ همکاران رسمی تاکید دارد. با تشکر از پاسخ مسئولانه این دوست گرمی و منعکس کردن واکنش کارگران رسمی به این بیانیه اعتصاب شکنانه و کارفرماپسند.

۳ تیر ۱۴۰۰





## سقوط جمهوری اسلامی

وریا روشنفکر

در این یادداشت با نگاهی اجمالی به وضعیت حکومت جمهوری اسلامی در ۴۳ سال گذشته و به بهانه برگزاری انتخابات مضحک ریاست جمهوری در هفته قبل، تصویری از جایگاه حکومت نسبت به وضع موجود، جایگاه حکومت در بین مردم و در نهایت نظرم را در مورد آینده جمهوری اسلامی بیان کنم.

جمهوری اسلامی در روزهای قبل از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ رسماً مبارزات مردم را به کمک قدرتهای سرمایه داری جهانی مصادره کرد. یعنی برای جلوگیری از اوجگیری انقلاب این حکومت را به مردم تحمیل کردند. از فردای قدرتگیری خمینی و اسلامی ها ما شاهد شروع اعدامها، حذف فیزیکی افراد از جریانات مختلف تا به امروز بوده ایم. اعدام هر کس به هر بهانه ای از دید ما مردود و قتل عمد دولتی محسوب میشود. نشان دادن افرادی چون خلخالی و لاجوردی و ری شهری و اشراقی و رئیسی و یزدی در راس ماشین اعدام جمهوری اسلامی در این چهار دهه، که هر کدام با هر معیار روانشناختی، دارای حس شدید مازوخیسم، دچار جنون دیگر آزاری، وحشی و آدم کش هستند؛ نشانگر شیوه برخورد و استراژی حکومت جهت ادامه حیاتش بود. انگار که این هیولا فقط با ریختن خون میتواند به حیاتش ادامه دهد. برخورد خشن و سلبی با هر نوع دیدگاه مخالف، خفه نمودن هر نوع آزادی بیان، انقلاب به اصطلاح فرهنگی که در واقع جهت حذف علم و جایگزینی حوزه در راس مصدر علمی کشور بود، تحمل نکردن کوچکترین مخالفتی از سوی هرکسی حتی افرادی که عمری در خدمت سیستم بوده تا شدیدترین و خشن ترین برخورد با مخالفان حکومت، ترور مخالفان از پرونده میکونس گرفته تا شاپور بختیار و فرخزاد تا انسانهای کمونیست و آزادی خواهی چون غلام کشاورز و صدیق کمانگر، قتلهای زنجیره ای، اعدامهای سال ۶۷، جریان کوی دانشگاه، دی ۹۶، آبان ۹۸ که در مقطعی برای نظام بحران شد نشان از یک حکومت دیکتاتوری بی ثبات دارد که با مسئله سرنوشتی روبرو است.

وجود فساد سیستماتیک از ابتدا و به وجود آمدن یک طبقه سیری ناپذیر، رانتخواری، رشوه گیری، ایجاد موسسه های عریض و طویل از بیت رهبری تا سپاه و آستان قدس و... هر وکیل و وزیر که فقط در فکر چاپیدن و پر کردن جیب خود بودند و هستند. تورم بالای ۵۰ درصد، فقر و فلاکت تحمیلی به اکثریت مردم، به وجود آمدن لایه های اجتماعی چون گور خوابها، کارتون خوابها، بام خوابها، وادار کردن مردم به تن فروشی بدلیل فقر و سازماندهی شبکه های فحشای اسلامی، کودکان کار، اعتیاد گسترده و فقر افسارگسیخته حاکم بر بخش عظیم جامعه، در مقابل طبقه ای از سرمایه داران و آقازاده ها و وابستگان حکومتی و رانت بگیر که با بهره گیری از پولهای بادآورده و تمام نشدنی در جای جای کره خاکی زندگی هائی رویایی برای خود ساختند و با وقاحت تمام آن را به رخ سایر مردم میکشند، مشخصات یک حکومت تا مغز استخوان فاسد و طبقه بورژوازی اسلامی حاکم است.

تلاش حکومت از روزهای اول جهت ایجاد یک لایه نظامی و میلیشایی وفادار که تنها و تنها وظیفه اش حفظ سیستم به هر قیمتی است، اختصاص بیشترین بخش دارایی و درآمد کشور جهت تجهیز و گسترش آن، در چهارچوب سپاه پاسداران بعنوان نیروی سرکوب داخلی و گسترش تروریسم در سایر کشورها، تلاش برای دستیابی به فناوری های نظامی پیشرفته چون موشکهای بالستیک و دستیابی به سلاح هسته ای، تماماً جهت چانه زنی و داشتن کارت برنده در معامله های کثیف بین قدرتهای سرمایه داری جهانیست.

کارنوالهای مضحک حکومت در برگزاری هرچند مدت یکبار به اصطلاح انتخابات در بخشهای مختلف که تماماً مهندسی شده و در چهارچوب برگزیدن عناصر مرتجع و آدمکش و سرسپرده به سیستم در طول این ۴۳ سال هرچه به جلوتر رفت، مضحکتر و بی آبروتر شد. چنانچه انتخابات اخیر ریاست جمهور به درجه ای از فضااحت رسید که دیگر عملاً حکومت توان جمع و جور نمودن آن را ندارد. اکنون به اصطلاح رئیس جمهور منتخب تنها دو روز بعد از به اصطلاح پیروزی شاهد تودهنی از جانب کارگران بخش نفت و گاز و پتروشیمی شد که قطعاً با نگاهی به تاریخ میتواند آغاز فروپاشی نبض مالی حکومت باشد.

جمهوری اسلامی با هیچ معیاری نه قابلیت و نه حتی توانایی اداره و دوام حکومتش را ندارد، قطعاً تمام توان خود را بصورت خشونت عریان برای بقا بکار میندند، اما سیر سقوطش هر لحظه سریعتر میگردد. در این میان تنها کارگران اند که بعنوان طبقه ای آگاه، مولد، جسور، جنبشی حق بجانب و پیشرو که نبض اقتصاد و سرمایه را در دست دارند میتوانند رهبر و کاتالیزور سقوط این سیستم باشند و تمامی شواهد غیرقابل انکار نشان از آن دارد که این اتفاق زیاد دور نیست.

۲۳ جون ۲۰۲۱

خواهد بود و در روز نهم تیر به صف همکاران رسمی خود که اعلام اعتراض کرده‌اند، خواهیم پیوست. ما در این یک هفته‌ی اعتراضات با جمع شدن در محل‌های کار خود تلاش می‌کنیم که تصمیم‌گیری جمعی بکنیم و صدای خود را به گوش همکاران کارگرم‌ان در همه‌جا برسانیم".

در شرایطی که موج اعتراضات توده‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی از هر سو به حرکت درآمده است، در وضعیتی که گل‌مژده‌های اعتصابات سراسری کارگری در گردان‌های رزمنده کارگران نفت گل داده‌اند، در شرایطی که هیئت حاکمه ایران از هر سو در گرداب بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرو رفته است، در شرایطی که جامعه آستان یک تحول انقلابی اجتماعی است و علاوه بر همه این‌ها، توده‌های مردم ایران با بایکوت عمومی نمایش انتخاباتی، گامی بزرگ در مسیر تحقق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی برداشته‌اند، طبقه سرمایه‌دار حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن که از گسترش و سرایت این اعتصابات به سایر مناطق کارگری به شدت وحشت کرده‌اند، در اقدامی سرکوبگرانه حکم اخراج ۷۰۰ تن از کارگران پالایشگاه تهران را صادر کرده است. اقدامی جنایتکارانه که نه فقط از طرف طبقه کارگر ایران، تشکل‌های مستقل کارگری و همه نیروهای چپ و کمونیست و مبارز باید قاطعانه محکوم گردد، بلکه به شدت باید به مقابله با آن برخاست.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطع از مطالبات برحق کارگران اعتصابی نفت، اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و با صدای رسا اعلام می‌دارد که هیچ کارگری به خاطر اعتصاب، اعتراض و پیگیری خواست‌های برحق شان، نباید اخراج و بازداشت و سرکوب گردد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، ضمن اعلام همبستگی و پشتیبانی از مطالبات کارگران پیمانی نفت که هم‌اینک در اعتصابات هستند، همبستگی و پشتیبانی خود را با کارکنان و کارگران رسمی نفت که قرار است روز نهم تیر اعتصاب کنند، اعلام کرده و همه نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه و مبارز، بویژه کارگران و زحمتکشانشان را فرا می‌خواند در هرکجا که هستیم از جمله در خارج کشور، به هر شکلی که مقدور است با اعتراضاتمان در روز نهم تیر به حمایت از مطالبات کارگران اعتصابی صنایع نفت و پتروشیمی بر خیزیم تا پژواک صدای اعتراضی آنان باشیم.

**زنده باد اعتصابات سراسری کارگران  
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

۳ تیر ۱۴۰۰ - ۲۴ ژوئن ۲۰۲۱

**امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت**

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### با همه نیرو از اعتصابات سراسری کارگران

#### نفت حمایت کنیم

با گذشت سه روز از نه بزرگ اکثریت مردم به نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری رژیم در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، نتایج شگفت‌انگیز این نه بزرگ و قهرمانانه در روز اول تیر در پژواک اعتصابات فراگیر کارگران نفت و پتروشیمی، گل داد و به ثمر نشست. اعتصابات سراسری کارگران پیمانی و غیر رسمی صنعت نفت و پتروشیمی که از ۲۹ خرداد با اعتصاب کارگران پروژه ای شرکت فراب نیروگاه بیدخون شروع شده بود، در روز سه شنبه اول تیر ماه ۱۴۰۰، به یک اعتصاب فراگیر تبدیل شد. وقوع شکوه‌مند این اعتصابات فراگیر که با فراخوان "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت" آغاز شده است، نشانه خود آگاهی سیاسی، همبستگی و همکاری گسترده تر بین سایر اقشار طبقه کارگر است.

با شروع این اعتصابات که از روز سه شنبه اول تیر در ابعادی سراسری شکل گرفت، تاکنون هزاران تن از کارگران صنایع نفت و پتروشیمی کشور از قبیل کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران، کارگران پیمانی گچساران، کارگران پالایشگاه آدیش جنوب، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه بید بلند بهبهان، فاز ۱۴ عسلویه، کارگران پالایشگاه تندگویان، شرکت جهان پارس، پتروشیمی دنا، فاز ۱۳ کنگان، فاز ۱۳ پارس جنوبی، کارگران پروژه‌های شرکت ای جی سی پالایشگاه آبادان، کارگران پیمانکاری حاجی پور، شرکت مخازن نفت قشم، شرکت اکسیر صنعت، کارگران عملیات دریایی شرکت پایانه‌های نفتی ایران، میدان گازی پارس جنوبی، شرکت ریتون، خارک، شرکت پتروشیمی عمران صنعت، شرکت پتروشیمی صدف، پتروشیمی جهان پارس، شرکت پایندان، شرکت ساتراب صنعت، شرکت توانمند فاز ۲۲ و ۲۴، کارگران شرکت لیدوما، شرکت سینا پالایش قشم و پتروشیمی بوشهر به این اعتصابات سراسری پیوسته‌اند.

"شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت"، مطالبات کارگران اعتصابی را در هفت بند اعلام کرده است. افزایش مزد ماهانه به بالای ۱۲ میلیون تومان، برچیدن شرکت‌های پیمانکاری، انعقاد قرارداد دائمی، لغو قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی و حق تشکل و تجمع و اعتراض، ۱۰ روز مرخصی در قبال ۲۰ روز کار از جمله مهمترین مطالبات کارگران اعتصابی است.

کارگران مبارز پیمانی و غیر رسمی صنایع نفت و پتروشیمی که هم‌اکنون در اعتصاب هستند، همچنین با صدور بیانیه‌ای، حمایت قاطع و همه‌جانبه خود را از فراخوان اعتصاب کارگران رسمی نفت که قرار است در روز نهم تیر شروع شود اعلام کرده‌اند. کارگران پیمانی و اعتصابی نفت، در بیانیه‌ای که به همین منظور صادر کرده‌اند، نوشته‌اند: اعتصاب ما یک اعتصاب اخطاری است و یک هفته در جریان

**مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!**

## اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست درباره نتایج نمایش انتخابات

## نه شجاعانه و بزرگ اکثریت مردم ایران به کلیت رژیم اسلامی

البته کلیه جناح بندیهای رژیم و حامیان آنها در خارج، از رو نرفته اند و ضمن اعتراف به "کاهش میزان مشارکت" ادعا میکنند که "براندازان" نیز به خواسته خود نرسیده اند؟! آنها حتی با مقایسه انتخابات در کشورهای غربی، وقیحانه مدعی هستند که اتفاق خاصی رخ نداده است!! ما اما درود میفرستیم به اکثریت مردم رنج کشیده ایران، که علیرغم همه سرکوبها و تهدیدها و سر داده شدن انواع شعارها و وعده های اقتصادی از سوی کاندیداهای نظام جهل و ستم سرمایه، گول این رانت خواران و اختلاسگران و جنایتکاران را نخوردند.

جنبش کارگری و سوسیالیستی و جنبشهای اجتماعی مترقی و رادیکال باید با تقویت تشکل یابی، سازماندهی و هماهنگی سراسری، از انرژی آزاد شده از جنبش نه به نمایشات انتخاباتی رژیم، بهره بگیرند و خود را برای تدارک انقلاب اجتماعی نوین برهبری طبقه کارگر آماده کنند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**  
**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم**  
۳۱ خرداد ۱۴۰۰ - ۲۱ ژوئن ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

## مراسم خاکسپاری مصطفی قادری، بدرود رفیق عزیز!



"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" در اعلامیه مورخ ۲۸ اردیبهشت ماه اعلام کرده بود که "انتخابات" در این رژیم مضحکه ای بیش نیست و "انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!"

ما نیروهای چپ و کمونیست در تمام چهار دهه گذشته، همواره خواهان پایان دادن به عمر این رژیم استبدادی، سرمایه داری و مذهبی از طریق انقلاب کارگران و زحمتکشان بودیم. مبارزه قاطع ما با این رژیم جنایتکار و ستمگر، همزاد است با عمر این رژیم، اما از خیزش انقلابی دیماه ۹۶ جامعه ایران وارد دوره سیاسی جدیدی شده است که نه تنها نیروهای سرنگون طلب و انقلابی، بلکه اکثریت عظیم مردم نیز با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه نمومه ماجرا" به صف نیروهای پیوسته اند که در چهارچوب این رژیم، هیچ امکانی برای "اصلاح و تحول" نمی بینند. این عزم انقلابی در مرداد ۹۷ و آبان ۹۸ نیز تکرار شد.

پیش از نمایش انتخابات اخیر، حتی نظرسنجی های نهادها و رسانه های خود رژیم نیز میزان مشارکت مردم را بسیار پائین ارزیابی کردند، اما با نزدیک شدن به روز "انتخابات" به یکباره آنرا به بالای ۴۵ درصد افزایش دادند. تردیدی نیست که این رژیم سایقه طولانی در مهندسی انتخابات و رای سازی و تقلب دارد. گزارشات تصویری از حوزه های رای گیری نیز بروشنی نشان از شکست فاحش رژیم در برگزاری نمایش انتخاباتی ۲۸ خرداد داشت. در این میان عدم شرکت گسترده در "انتخابات" و وحشت ناشی از آن، سبب شد تا به رغم شکافی که در طیف "اصلاح طلبان" ایجاد شده بود، بخشی از آنها سعی کردند به کمک حامیان خود در خارج، بخشهایی از مردم ناراضی را مجدداً به استفاده از تاکتیک زنگ زده "رای اعتراضی" و "انتخاب میان بد و بدتر" ترغیب کنند، یعنی در برابر رئیسی از همتی حمایت کنند که با شکست مفتضحانه ای روبرو شدند.

علیرغم همه تهدیدها، ترندها و رای سازیها و تبلیغات انتخاباتی، اکثریت قاطع و بالای مردم در انتخابات شرکت نکردند و این مضحکه را به شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی و کلیت جناحهای آن تبدیل کردند. همچنانکه پیش بینی می شد. کاندید اصلح ولی فقیه و آپارات اصلی رژیم، رئیس قوه "تدارکات چی" شد، یعنی جنایتکاری که اگر پایش را به خارج بگذارد، میتواند به جرم مشارکت در قتل عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ و ادامه فعالیت سرکوبگرانه و جنایتکارانه در طول بیش از چهاردهه حضورش در قوه قضائیه، تحت پیگرد بین المللی قرار گیرد.

اکثریت مردم ایران با نه گفتن به نمایش انتخاباتی اخیر، با یک تیر دو نشان زدند: از یکطرف به جنایتکاری همچون رئیسی به مثابه کاندید رهبر نظام نه گفتند و از سویی دیگر با زدن تیر خلاص به تتمه "اصلاح طلبان حکومتی" بار دیگر صدای رسای خیزشها و جنبشهای انقلابی و طبقاتی چهار سال اخیر را پژواک دادند و به آنان فهماندند که دیگر نمیتوانند مردم را با روشهای رنگ باخته ای همچون "رای اعتراضی" و "انتخاب میان بد و بدتر" به بازی در بساط رژیم بکشانند. اینرا میتوان در آرای بسیار ناچیز و تحقیرکننده همتی مشاهده کرد که حتی از آرای باطله و آرای رضایی هم کمتر بود.

**زنده باد سوسیالیسم!**